

اطلاعاتی در باره

فرهنگنامه «جهان ایران شناسی»

دایرة المعارف سه زبانی فرهنگ و تمدن ایران و نقش جهانی سه هزار ساله آن،

در ۲۱ جلد و یکصد فصل، در ارتباط با یکصد کشور مختلف جهان

اهداء به شرکت کنندگان همایش ۲۰ خردادماه ۱۳۸۴

در مرکز فرهنگی André Malraux (پاریس)

کشور و ملت ما، از همان هنگام که بصورت کشور و ملتی تازه نفس و تاریخ ساز پا به صحنه تاریخ جهان گذاشتند ایفای نقشی بنیادی را در تکامل تمدن و فرهنگ جامعه بشری بعهدہ گرفتند و این نقش را در طول سده ها و هزاره ها بصورتی پیگیر ادامه دادند. ولی برخلاف آنچه در مورد فرهنگهای بزرگ دیگری چون فرهنگ یونانی و فرهنگ لاتین اتفاق افتاد، چنین نقشی نه تنها برای جهانیان بلکه برای خود ایرانیان نیز تا حد زیادی ناشناخته ماند و همچنان ناشناخته مانده است. علت این دوگانگی را، در آنجا که به ایران باستانی مربوط میشود عمدتاً در این میباید جست که بسا نابودی های مکرر ذخایر مکتوب ایران کهن، انحصار قلم به تعبیر سخنور شیراز در کف دشمن یعنی در اختیار تاریخ نگاران یونانی و رومی باقی ماند؛ و در آنجا که به دوران اسلامی تاریخ ایران باز میگردد، اساساً هویت تاریخی و هویت فرهنگی ملت ما به دستاویز مذهب از جانب حکومتهای غیرایرانی عرب و ترک و مغول و تاتار و ترکمن از بیخ و بن مورد تخطئه قرار گرفت. دستاوردهای دانش و اندیشه بزرگان علم و ادب این سرزمین نیز، تنها به علت اینکه به زبان عربی نوشته شده بود، با سارک عربی در خزانه فرهنگ اسلامی جای داده شد و به همین صورت نیز توسط مترجمان لاتینی این آثار به اروپای مسیحی منتقل شد. بدین ترتیب، تا زمان انقلاب مشروطیت ایران، آشنایی ملت ما با هویت تاریخی خودش، جدا از شاهنامه فردوسی، عملاً به روایات تاریخ نویسان خود جهان اسلام و آشنایی او با هویت فرهنگی خودش به احادیث بحارالانوار شیخ المحدثین مجلسی محدود ماند.

نادیده نباید گرفت که در طول همه این قرون، در جهان پهناور مسیحیت نیز در بر پاشنه ای بهتر از این نگشت، و برخورد کلیسا با هویتهای تاریخی و فرهنگی پیروانش، تفاوت زیادی با برخورد روحانیت های حاکم جهان درسته اسلامی نیافت، همچنانکه دیوانهای تفتیش عقاید آنها نیز فرق زیادی با محاکم شرع بیضه داران دین ما نداشتند. ولی در نیمه دوم قرن هجدهم اروپا، تحول فکری سرنوشت سازی در جهان مسیحیت صورت گرفت که این قرن را شایسته عنوان قرن فروغ و آغازگر عصر روشنگری کرد، زیرا این تحول به عمر هزار و پانصد ساله «ولایت مطلقه» کلیسا پایان داد، و برای نخستین بار منطق دانش و خردگرایی را در جای مکتب تعصب و جفاقت نشاند.

یکی از مهمترین پیامدهایی که این دگرگونی بنیادی بهمراه آورد، بازنویسی کلی تاریخ تمدن و فرهنگ جهان توسط صدها دانشمند و پژوهشگر سرشناس بود که این بار واقعیتهای تاریخی و فرهنگی جهان خود را از دیدگاهی صرفاً علمی و تحقیقی - و نه بر پایه اسطوره ها و افسانه های کهن - به ارزیابی گرفتند، با این ویژگی که خوشبختانه این بازنویسی به قلمرو خود جهان مسیحیت محدود نماند، بلکه دیگر تمدنهای غالباً ناشناخته یا بسیار کم شناخته شده تاریخ را نیز دربرگرفت، که طبعاً فرهنگ و تمدن دیرپای ایران ما و نقش فراگیر جهانی آن از مهمترین آنها بود. همین بازنگری واقعیتهای تاریخ بود که هگل، بنیانگذار مکتب «فلسفه تاریخ» را واداشت تا کشور و ملت ایران را نخستین کشور و ملت تاریخ ساز جهان معرفی کند، و پژوهشگران متعدد دیگر را نیز بدین خواند که برای نخستین بار بر نقش بنیادی آیین زرتشتی در شکل گیری تورات و بر نقش بنیادی آیین میترا در شکل گیری مسیحیت، و نقش بنیادی آیین سانی در جنبش های بزرگ مذهبی اروپای قرون وسطی، و بر بسیاری دیگر از جای پاهای فرهنگ ایرانی در مسیر تکاملی دانش و اندیشه و هنر جهان انگشت گذارند. دوره مفصل «کتابشناسی ایرانی» دانشمند فقید ماهیار نوایی به تنهایی مشخصات ۹۶۰۰ اثر تحقیقی را نقل میکند که این پژوهشگران در دوست ساله گذشته در ارتباط با بررسیهای خودشان در زمینه های مختلف تاریخ، زبانشناسی، معماری، هنرها، علوم و بالاخص مذاهب ایرانی به زبانهای مختلف منتشر کرده اند، و متأسفانه به علت شرایط بسیار نامساعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود ایران تقریباً هیچیک از این آثار از چهار دیواری علمی خود پا بیرون نگذاشته و به درون جامعه ایرانی راه نیافته اند.

آغاز عصر پهلوی، برای اولین بار از دوران حکومت ترکان غزنوی تا به امروز، جنبش اصیلی را برای بازسازی پیوندهای فرهنگی کهن و آشنایی با واقعیتهای ناشناخته میراث فرهنگی دیرپای ملی بهمراه آورد که یکی از پدیده های اساسی آن اشتیاق طبقه روشنفکر کشور به شناسایی پژوهشهای خاورشناسان دو قرن گذشته در راستای تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران بود. به دنبال گام های نخستینی که در دوران پادشاهی رضاشاه پهلوی در این راستا برداشته شد (و مهمترین آنها برگزاری کنفرانس بین المللی هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ بود) در سالهای پس از جنگ دوم جهانی گامهای بسیار بزرگتری در این زمینه برداشته شد که از اساسی ترین آنها تشکیل کتابخانه ای تخصصی به نام کتابخانه پهلوی به صورت مرکز جهانی ایران شناسی، و نیز تأسیس شورایی بنام شورای فرهنگی سلطنتی بمنظور سرپرستی علمی این مرکز بود، که با توجه به اهمیت کار آنها، سرپرستی مستقیم این هر دو را اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی شخصاً بعهدہ گرفت. نخستین

توصیه ای که از جانب شورای فرهنگی سلطنتی به کتابخانه پهلوی شد، اقدام به تدوین و چاپ دایرة المعارفی بود که حاصل پژوهشهای دوست ساله دانشمندان و پژوهشگران جهان غرب در ارتباط با تاریخ و فرهنگ ایران و بویژه نقش جهانی این فرهنگ بصورتی یکجا در آن عرضه شده باشد، با این هدف که این کارنامه بزرگ تحقیقی بتواند هم در اختیار نسل جوانی قرار بگیرد که دوران انحطاط و عقده های حقارت ناشی از آنرا در پشت سر گذاشته بود، و هم در اختیار جهانیانی که با ایران تازه نفس و تا حد زیاد ناشناخته ای سر و کار یافته بودند.

کارشناسان کتابخانه پهلوی با همکاری دیگر دانشمندان کشور در مدت ده سال با مراجعه به هزاران کتاب و مقاله تحقیقی و با چندین هزار مکاتبه با مراکز جهانی و تماس با استادان خاورشناس بین المللی، توانستند آرشیو جامعی شامل ۳۰,۰۰۰ سند را فراهم آورند و آنها را در ارتباط با بیش از هشتاد کشور مختلف مورد طبقه بندی قرار دهند، با این منظور که مدارک گردآوری شده در مورد هر کشور اساس تدوین فصل خاص مربوط بدان کشور در این دایرة المعارف قرار گیرد. با آماده شدن این آرشیو منحصر به فرد در سالهای دهه ۵۰ خورشیدی، نخستین جلد این دایرة المعارف بنام جهان ایران شناسی در سال ۱۳۵۵ در ۱۵۰۰ صفحه بزرگ به سرپرستی علمی استادان زیر توسط کتابخانه پهلوی انتشار یافت: ایراهیم پورداود، حسن تقی زاده، علی اصغر حکمت، علی اکبر سیاسی، فخرالدین شادمان، رضازاده شفق، عیسی صدیق، ذبیح اله صفا، لطفعلی صورتگر، بدیع الزمان فروزانفر، نصراله فلسفی، سعید نفیسی. انتشار این کتاب نه تنها از طرف مراجع فرهنگی خود ایران به گرمی مورد استقبال قرار گرفت، بلکه در عین حال از جانب بیش از هشتاد فرهنگستان و دانشگاه و انستیتوی سراسر جهان یکی از معتبرترین آثار تحقیقی منتشر شده در جهان خاورشناسی شناخته شد. بخشهای کوتاه شده این اظهارنظرها را در همین جزوه حاضر خواهید یافت.

بحران سیاسی و اجتماعی سال ۱۳۵۷ ایران و پیامدهای آن نه تنها انتشار این دایرة المعارف را متوقف کرد، بلکه موجودیت خود مجموعه اسناد گردآوری شده را نیز به خطر افکند. خوشبختانه این آرشیو در آخرین فرصتها توسط خود من در محل مطمئنی به امانت گذاشته شد تا در شرایط مساعدتری بازگردانیده شود. ولی با گذشت یکریع قرن دیگر جای امیدی برای این بازیابی باقی نماند و تصادفاً درست در همین هنگام بود که دوست امانتدار من توانست مجموعه کامل این اسناد را از طریق غیرمنتظره ای در خاک فرانسه به من بازگرداند.

بازیابی این گنجینه از دست رفته، از نظر من این پیام را بهمراه داشت که در شرایطی که ملت ایران بطور اعم و نسل جوان آینده ساز آن بصورت خاص بیش از هر زمان دیگر به تجدید پیوندهای کهن با میراث فاخر فرهنگی خویش نیازمند است، و در برهه ای زمانی که اعتبار ایران در صحنه جهانی به یکی از پائین ترین سطوح خود تنزل کرده است، میباید این طرح بزرگ سالهای پایانی هزاره دوم که پیام آور سرفرازی و امید و آینده نگری بود، در سالهای آغازین هزاره سوم و این بار از جانب جامعه برونسری بزرگ ایرانی که از امکانات وسیع انسانی و سیاسی و مالی در این باره برخوردار است، از نو به اجرا گذاشته شود.

در فروردین ماه سال گذشته این پیشنهاد در گردهمایی بزرگی از ایرانیان فرانسه و دیگر کشورها، در دانشگاه سربین پاریس توسط خود من مطرح شد و خوشبختانه مورد استقبالی گرم قرار گرفت.

پیشنهاد عملی من در این باره این بود که بنیاد فرهنگی غیرانتفاعی خاصی برای ترتیب دادن انتشار فرهنگنامه جهان ایران شناسی بر مبنای مجموعه اسناد ۳۰,۰۰۰ گانه و تکمیل این مدارک در ارتباط با یکریع قرن گذشته بوجود آید و این بنیاد ترتیبی دهد که هر جلد از جلدهای بیست و یک گانه این فرهنگنامه توسط یکی از استادان یا دیگر دانشمندان صلاحیتدار ایرانی که غالباً در دانشگاه ها یا دیگر مراکز بزرگ فرهنگی جهان مشغول کارند، تدوین شود و با همت عالی یکی از مؤسسات اقتصادی فرهنگدوست که نامش بهمین صورت در همان جلد مشخص میشود بچاپ برسد، با این توضیح که این بار، با توجه به شرایط تازه ایرانیان خارج از کشور و بخصوص نسل جوانی که خواندن و نوشتن فارسی به آسانی برایش میسر نیست، این فرهنگنامه نه تنها به زبان فارسی، بلکه در عین حال به زبانهای خود کشورهای مربوطه و نیز به زبان انگلیسی که جنبه بین المللی دارد انتشار یابد.

نخستین جلد این فرهنگنامه که برحسب تقدم الفبایی اسامی کشورها به اسپانیا تعلق میگیرد، همراه با اعلام آغاز انتشار فرهنگنامه بدست شما میرسد. متن اسپانیایی این کتاب در سالهای اخیر توسط خود من تألیف و توسط دانشگاه اسپانیایی Huelva به چاپ رسیده است. متن فارسی آن که توسط شادروان دکتر مهدی سمسار ترجمه شده، امروز انتشار مییابد و ترجمه انگلیسی آن بصورت نخستین جلد از دوره کامل انگلیسی این فرهنگنامه در دست تهیه است. اطلاعات جامع تر در زمینه این فرهنگنامه و برنامه های آن را در مقدمه جلد فارسی کتاب خواهید یافت.

فهرست فصول جلدهای بیست و یک گانه فرهنگنامه جهان ایران شناسی

اسپانیا	جلد اول
آلمان	جلد دوم
امریکا (ایالات متحده ، کانادا ، امریکای لاتین)	جلد سوم
انگلستان	جلد چهارم
ایتالیا	جلد پنجم
اروپای شرقی (لهستان ، مجارستان ، رومانی ، اتریش ، جمهوری چک ، اسلواکی ، بلغارستان)	جلد ششم
اروپای شمالی (سوئد ، نروژ ، دانمارک ، فنلاند ، ایرلند ، ایسلند)	جلد هفتم
اروپای غربی و جنوبی (هلند ، بلژیک ، سوئیس ، لوکزامبورگ ، پرتغال ، مالت ، مناکو)	جلد هشتم
اروپای بالکانی (یونان ، مقدونیه ، سرستان ، بوسنی ، کروآسی ، آلبانی ، قبرس)	جلد نهم
آسیای میانه (افغانستان ، ازبکستان ، تاجیکستان ، تاتارستان ، ترکمنستان ، قزاقستان ، قرقیزستان)	جلد دهم
آسیای جنوبی (اندونزی ، مالزی ، تایلند ، سنگاپور ، نپال ، برمه ، سری لانکا)	جلد یازدهم
افریقای شمالی (مصر ، لیبی ، تونس ، الجزایر ، مراکش)	جلد دوازدهم
افریقای شرقی (اتیوپی ، سومالی ، اریتره ، زنگبار ، تانزانیا ، مالکاشی ، افریقای مرکزی ، افریقای غربی ، افریقای جنوبی)	جلد سیزدهم
پاکستان ، کشمیر ، بنگلادش	جلد چهاردهم
ترکیه	جلد پانزدهم
چین	جلد شانزدهم
روسیه و اوکراین	جلد هفدهم
فرانسه	جلد هجدهم
قفقاز (ارمنستان ، آذربایجان ، گرجستان ، داغستان ، اوستی)	جلد نوزدهم
هندوستان	جلد بیستم
خاور نزدیک (سوریه ، لبنان ، اسرائیل ، فلسطین ، اردن ، عراق ، کویت ، عربستان سعودی ، یمن ، بحرین ، قطر ، امارات عربی متحده ، عمان)	جلد بیست و یکم
خاور دور و اقیانوسیه (ژاپن ، کره ، استرالیا ، زلندنو ، فیلیپین)	

شجاع الدین شفا

انتشار فرهنگنامه جهان ایران شناسی را بزرگترین دستاورد زندگی فرهنگی خود می دانم

در پایان جلسه‌ای که به دعوت انجمن فرهنگ ایران به مناسبت آغاز انتشار فرهنگنامه جهان ایران شناسی در مرکز فرهنگی آندره مایرو (پاریس) برگزار شده بود آقای شجاع الدین شفا پایه گذار فرهنگنامه در مصاحبه‌ای با «کیهان» اهمیت این فرهنگنامه و دلایل انتشار آن را که طبعاً به تلاش گسترده‌ای نیازمند است توضیح داد. در زیر می‌خوانید.

آقای شفا شما در فروردین ماه سال گذشته موضوع ادامه انتشار دایره المعارف جهان ایران شناسی را که چاپ آن در دوران پیش از انقلاب از سال 1357 به بعد متوقف مانده بود در سخنرانی خودتان در دانشگاه سربین پاریس مطرح کردید از آن تاریخ پیش از یکسال می‌گذرد گزارشی که امروز توسط خود شما در تالار آندره مایرو داده شد، و نشریه‌ای که در همین زمینه میان حاضران جلسه توزیع شد نشان می‌دهد که در این فاصله تلاش وسیعی توسط شما و همکارانتان در راه اجرای این طرح انجام گرفته است که نتیجه آن چاپ و انتشار نخستین جلد این فرهنگنامه بطور همزمان به زبانهای فارسی و اسپانیایی است.

اطلاعات اساسی را درباره چگونگی طرح این برنامه فرهنگی بزرگ دوران گذشته و اقدامات انجام شده در راه اجرای آن که مهمترین آنها گردآوری مجموعه منحصر به فردی از 30/000 سند تحقیقی توسط کتابخانه پهلوی بود در سخنرانی سربین به علاقمندان داده‌ام و نیازی به تکرار آنها نمی‌بینم. آنچه می‌باید در تکمیل این توضیحات بگویم این است که در یک سال گذشته من با کمک دوستان دیرین موفق شدم سازمان فرهنگی و غیر انتفاعی خاصی را برای سرپرستی امور مربوط به انتشار این فرهنگنامه در همین حال همکاری شمار زیادی از سازمانهای خاورشناسی و ایران شناسی کشورهای مختلف جهان را براساس آشنایی‌های گذشته و همکاری ارزشمند استادان عالیقدری از دوران پیش از انقلاب و دوران برومنوزی بدانرا به صورت گروه مشاوران عالی فرهنگنامه تحصیل کنم که از این باب تا همگی

آنها و نیز از دوست ارجمندم دکتر امیر اسلان افشار که ریاست افتخاری بنیاد فرهنگنامه را به عهده گرفتند صمیمانه تشکر کنم.

درباره علت وجودی فرهنگنامه‌ای که از امروز شروع به انتشار کرده‌است بخصوص این نکته را باید توضیح دهم که در شرایط کنونی، بخش قابل توجهی از جامعه ایرانی در بیرون از مرزهای ایران زندگی می‌کنند و در زندگی روزمره خودشان با کشورها و ملتها و زبانهای مختلف سروکار دارند. از نظر قانونی، موضع آنها موضع مشترک کلیه پناهندگان یا مهاجرانی است که از سرزمینهای دیگر بدین کشورها روی آورده‌اند و غالباً به چشم میهمانانی مزاحم و نامطلوب و در بسیار موارد «آدمهای دست دوم» تکریم می‌شوند. و این امری است که مطلقاً در شأن مردمی که وارث یکی از غنی‌ترین میراثهای فرهنگی جهانند نیست. منتها نه افکار عمومی در کشورهای میزبان بر این واقعیت آگاه است و نه در اکثر قریب به اتفاق موارد خود این ایرانیان بر آن آگاهی لازم دارند، حتی اگر بطور کلی بدانند که ملتشان سابقه فرهنگی درخشانی دارد. این اشکال در صورتی می‌تواند تا حد زیادی برطرف شود که مدارک و شواهد لازم، بصورتی روشن و علمی و نه تنها یک شمار، درباره هویت واقعی آنان و نقش فرهنگی ایران در تاریخ همان کشور میزبان بدانان عرضه شود.

و بخصوص بر آنان روشن شود که آنچه از زبان بسیاری از بزرگان علم و ادب و هنر خود درباره کشوری به نام Persia شنیده و خوانده‌اند به همین ایرانی تعلق دارد که در صورت کنونی بر اثر تشابه تلفظ، حتی نام آن نیز برای خیلی‌ها با عراق اشتباه می‌شود و بهیرحال برای میلیونها نفر، یکی از سرزمینهای عقب افتاده متعصب و گروگانگیر و غالباً تروریست جهان اسلامی بیشتر بحساب نمی‌آید. ولی از این هم مهمتر این واقعیت است که بخش مهمی از این جامعه برومنوزی را نوجوانانی تشکیل می‌دهند که اساساً امکان خواندن و نوشتن زبان مادری خودشان را ندارند، حتی

اگر هنوز توانایی حرف زدن به این زبان را داشته باشند. این جوانان غالباً نه بی‌پندی یا گذشته خود دارند، نه چیزی از «حال» کشور واقعی خودشان بجز آنچه در تلویزیونها می‌بینند یا در رادیوها می‌شنوند یا در روزنامه‌ها می‌خوانند می‌شناسند و موثرترین راه جبران این خلا این است که کتاب علمی مستند و دقیقی به زبان کشوری که در آن زندگی می‌کنند و با آن بهتر آشنا هستند در اختیارشان گذاشته شود، تا این بار خواندن چنین کتابی برایشان روشن کند که ملتی که وابسته بدانند این ملت گروگانگیر عقب مانده و تروریست پرور نیست، بلکه یکی از پایه گذاران قدر اول کاخ تمدن و فرهنگ جهان بشری است.

همه آنچه گفته شد، در مورد خود جامعه بزرگ درونمرزی ایرانی و بخصوص نسل جوان و آینده ساز آن نیز که از هنگام تولد خود پیوسته در معرض بیماریان تبلیغاتی ضد ملی دستگاه حاکم بر کشور قرار داشته است و دارد بطور کامل صادق است. زیرا این جوانان نیز احتیاج صمیم دارند - منتها این بار بر مبنای متن فارسی چنین دایره‌المعارفی - که واقعتهای علمی و مستند گذشته تاریخی و فرهنگی ملت خودشان را بهتر بشناسند تا بهتر بتوانند از این شناسایی برای ساختن فردای خودشان و فرزندانشان بهره بگیرند. براساس همه اینهاست که مناسب دانستم دوره تازه این فرهنگنامه نه تنها به زبان فارسی، بلکه بصورتی سه زبانی تدوین و منتشر شود. بدین ترتیب که هر جلد از آن بطور همزمان به زبان فارسی و به زبان کشور یا کشورهای که فصل یا فصل آن جلد بدان‌ها مربوط می‌شود، و در نهایت به زبان انگلیسی که صورت زبان بین‌المللی را دارد تالیف و ترجمه و در دسترس خوانندگان مختلف گذاشته شود تا بدین ترتیب هم مورد استفاده ملی هم مورد استفاده جهانی قرار گیرد.

تا آنجا که می‌دانم انتشار دایره‌المعارفی بدین صورت، یعنی از یک طرف براساس تقسیم بندی

برحسب کشورهای مختلف جهان، و از طرف دیگر بصورت چند زبانی آنهم همزمان، تاکنون بیسابقه بوده است. ممکن است درباره نحوه اجرای این برنامه توضیح بیشتری بدهید؟

- براساس طرح پیشنهادی من که بنیاد فرهنگنامه جهان ایران شناسی در ارتباط با آن شکل گرفته است، این بنیاد بصورت بنیادی غیر انتفاعی مسئولیت آماده کردن مطالب فرهنگنامه را در صورت سه زبانی آن برای چاپ و انتشار به عهده دارد، و در این مورد مسئولان آن که همگی بصورت رایگان انجام وظیفه می‌کنند، دو وظیفه اساسی را عهده دارند: یکی اینکه برای تالیف هر جلد خاص از جلدهای بیست و یک گانه این فرهنگنامه، یکی از استادان صلاحیتدار ایرانی را که هم اکنون در دانشگاههای مختلف و معتبر جهان تدریس می‌کنند، یا در دیگر مراکز علمی بزرگ جهان مشغول کارند، بگزینند و دعوت کنند که بر اساس مجموعه 30/000 سند گردآوری شده موجود در کتابخانه بنیاد که به کشورهای مختلف اختصاص دارد، و با تکمیل این مدارک در ارتباط با دوران 26 ساله گذشته تالیف یک جلد خاص از این دوره را برعهده گیرد و در همین حال ترتیب ترجمه آنرا به دو زبان دیگر نیز بدهد، بطوری که در پایان کار هر سه متن مورد نظر، که هر کدام از آنها منطبق با 700 تا هزار صفحه را شامل می‌شوند، آماده برای انتشار باشند.

وظیفه دوم این عده این است که برای تأمین هزینه حق التالیف و حق الترمیم‌های این مجموعه با افراد یا موسسات اقتصادی فرهنگدوستی که پرداخت این هزینه را متقبل شوند، یا با ایرانیانی که پرداخت بخشهایی از این هزینه‌ها را بصورت دسته جمعی به عهده گیرند، تماس گرفته و ترتیب عملی کار را بدهند. با قید اینکه نام موسسه یا افرادی که آن جلد خاص یا همت عالی آنان تهیه شده است در درجین مورد دبیرخانه مرکزی بنیاد ترجیح می‌دهد که مستقیماً دخالتی در این کار نداشته باشد، بلکه ترتیبی سرزمین تقدیم می‌شود

برای چاپ دوره کامل این فرهنگنامه چه مدت زمانی را پیش بینی می‌کنید؟